

باید به آینده بر اساس وضعیت گذشته نگریست

گفت‌وگوی محمود بروجردی و یوسف بن علوی

تازه است.» هر چند این مثل قدیمی است، اما هنوز هم کاربرد دارد. ما سعی داریم از گذشته درس بگیریم و برای آینده اجرا کنیم.

بن علوی: موافقم، باید به آینده بر اساس وضعیت کلی گذشته نگریست. هر کس که بخواهد در زندگی موفق باشد، باید به سه محور تاریخ گذشته به صورت کامل، وضعیت کنونی و آینده پیشرو اهمیت دهد. ما همیشه اینطور با مسائل برخورد می‌کنیم و روابط ما با همسایگان و دوستانی مثل شما این‌گونه بوده است.

بسیار خوشحال هستم که ایرانی باشی «گفت‌وگوی تمدنها» است. تمدنها خود معنا ندارند و مهمترین مضمون آن چیز دیگری به نام فرهنگ است. فرهنگها پایه و اساس تمدنهاست، لذا باید گفت‌وگوی بین فرهنگها متناوب گردد، زیرا تمدنها اسیر دست انسانهاست. ما خیلی تلاش کردیم تا تصرفی در کوهز اصلی فرهنگ ما به عنوان فرهنگ اسلامی صورت نگیرد، در صورتی که در فرهنگ غربی اضافات زیادی وارد شده که به عنوان یک چیز خارجی برای ما قابل هضم نیست. البته از نظر غربیها ما یک ملت عقب‌مانده هستیم؛ تمدن آنها در مادیات غرق شده و تمدن ما روحانی و انسانی است. در غرب همه چیز

اشاره: دکتر محمود بروجردی دی‌ماه سال گذشته به دعوت مقامات فرهنگی، سیاسی کشور عمان سفری به این کشور داشت و پیرامون بحث جهانی گفت‌وگوی تمدنها با آنان به مذاکره نشست. آنچه می‌خوانید گفت‌وشنود ایشان و «یوسف بن علوی»، وزیر مشاور در امور خارجه دولت عمان است که در ذیل می‌آید. بن علوی: همواره از دیدار با صاحبان فکر و اندیشه خوشحال می‌شوم، خصوصاً اینکه اگر در تهران با آنها آشنا شده باشم.

بروجردی: همواره سفرهای شما به ایران و گفت‌وگوهایتان با مقامات کشورمان را دنبال می‌کردم. ما متقد به گفت‌وگوی باسفا و صمیمی همراه با سیاست هستیم. البته بر خلاف پاور غربیها، آنچه همواره از سوی شرقیها مورد توجه است، با فرهنگ غربیها تناسب ندارد.

بن علوی: مشترکات بین همسایگان و خانواده‌ها همواره موجب مسرت است، هر چند متأسفانه تا به حال با شما آشنا نشده‌ام. اما این فرصت مفتتنی برای آشنایی با شماست.

بروجردی: مهم این است که بالاخره آشنا شدیم. به قول ما ایرانیها «ماهی را هر وقت از آب بگیری،

قابل داد و ستد است. در فرهنگ ما اصل داد و ستد در حد خود وجود دارد، اما فرهنگ ما براساس حق، عدل و کمک به مظلوم در مقابل ظالم است، در صورتی که برای تمدن غرب این قابل استفاده نیست و چیزی به نام «ظالم» و «مظلوم» نمی‌شناسند. تمدن آنها مادی است، آنها مثل سیلیمه کذاب اند: نصف زمین را برای خود و نصف دیگر را برای دیگران می‌خواهند، شیوه برخورد آنها براساس مادیات پیش بینی شده است. فرهنگ ما به مسائل مادی توجه دارد، ولی ریشه اصلی آن ارزشهای انسانی و معنویت است. بنابراین به این علت بین ما تفاوت وجود دارد. شما ایرانیان در این زمینه کار اساسی انجام داده‌اید. من فقط حرف می‌زنم.

پروچردی: «یک دست صدا ندارد». یک ملت در صورت برخورداری از قدرت شیطان فوق‌العاده مثل آمریکا می‌تواند خود را بر دیگران تحمیل کند. در این منطقه کشورهای عمان، امارات، بحرین، قطر، کویت، عربستان، ایران، یمن، سوریه، عراق و اردن واقع شدند. آیا فکر می‌کنید در صورت اتحاد این کشورها دولتهای غربی می‌توانستند چنایات عراق و افغانستان را مرتکب شوند. اگر اینها قوی باشند، دشمنان نمی‌توانند هر کاری که دلشان بخواهد انجام دهند.

بن علوی: ما مستقیم در سورت دستیابی به حکمت تمامی امور را هدایت می‌کنیم، اما متأسفانه حکمت را از دست داده‌ایم و حکمت اداره امور را به دست نیاورده‌ایم.

پروچردی: من در ملاقات با آقای الرواس در تهران در زمینه حکمت و عرفان گفت‌وگو کردم. این سفر در راستای تقویت این موضوع است، لذا باید گفت‌وگوها ادامه یابد تا بتوانیم حکمتی را که شما به آن اشاره کرده‌اید، به دست آوریم. من و شما به تنهایی نمی‌توانیم کاری انجام دهیم، باید مجموعه‌ای که به آن بستگی داریم، دست به دست هم دهند و کار را پیش ببرند.

به نظر من اصل و اساس چیز دیگری غیر از آنچه شما اشاره کرده‌اید، است که حرف من نیست، حرف علماست که معتقدند کار باید برای خدا انجام شود. زندگی در دنیا بر پایه‌های مختلفی تدوین شده است. در دنیای فعلی حکم یا داور داریم که می‌تواند در گفت‌وگوها و دعوی دو طرف حکم کند. زمانی که این فاضی طبق مستندات حکم کند، می‌تواند خیلی از قضایا را حل کند.

همان زمانی که بحث جاده ابریشم در یونسکو مطرح بود و سلطان عمان کشتی فلک‌السلامه را در اختیار محققان قرار داد، من در یونسکو با مدیر آن در مورد تیسفون، پایتخت ساسانیها (قبل از اسلام) گفت‌وگو کردم. من آنجا گفتم تیسفونی که در جنوب شرقی بغداد است - و پایتخت ایران ساسانی بود - امروزه هیچ یک از ایرانیان ادعای ارضی در مورد آن ندارند. **بن علوی:** در آن زمان کشوری به نام «ایران» نبوده است. آن وقت بلاد فارس بوده، ایران از چه زمانی مطرح گردید؟ این را جهت اطلاع می‌پرسم.

پروچردی: مردم ساکن این منطقه از نژاد آریایی بودند. یک گروه به هند رفته‌اند که از نظر قیافه و صورت مشخص هستند که بین هندیها و چینیا و اعراب اختلاف قیافه هست، حتی بین ایرانیها و مردم آسیای صغیر (ترکیه) اختلاف قیافه هست. هرگز فکر کردید چرا قیافه عمانیها بین کشورهای دیگر خلیج فارس به ایران نزدیکتر است.

بن علوی: این به علت وابستگی خوبی است. **پروچردی:** اسم ایرانی از آریایی آمده است. به هر حال وقتی که حکم بنشینند و اختلاف جزئی را حل کند، همه می‌توانند با یکدیگر متحد شوند.



بن علوی: سلطان قابوس برای ما عمانیها اصول خاصی را در این زمینه تدوین کرد، اینکه چگونه راه‌حلی را برای مسائل مرزها و حقوق متقابل قائل شویم.

اصل و اساس این مسائل بین همسایگان باید با رضایت طرفین حل شود. اگر براساس ابعاد تاریخ به این قضایا وارد شویم، نمی‌توانیم به نتیجه مطلوبی برسیم. تمام مرزهای ما با کشورهای همجوار مشخص نبوده و به همین خاطر مرزهای ما بسته بود، لذا برای باز کردن آن به سراجت با همسایگان به مذاکره پرداختیم و خوابسته‌هایمان را مطرح کردیم. گاهی آنها مرز را مشخص می‌کردند، ما قبول نمی‌کردیم و جای دیگری را مطرح می‌کردیم و آنها اعتراض می‌کردند، اما سرانجام با رضایت دو طرفه مرزهای ما دیگر کشورهای عربستان، یمن، امارات، ایران و پاکستان را حل کردیم. به نتایج خوبی رسیدیم و توانستیم این مشکل را حل کنیم، مرزها باز شد و اختلافات حل و فصل گردید. وضعیت بسیار خوشایندی برای مردم دو طرف ایجاد شده و عمانیها امکان این را پیدا کردند که به کشورهای همسایه سفر کنند.

زندگی در پنهان نامی در صلح و دوستی زندگی کنیم.

پروچودی: آدم عاقل باید این طور زندگی کند. **بن علوی:** الحمدلله ما عاقل هستیم. در جنگ ایران و عراق میلیونها انسان از بین رفتند، ولی اختلافات دو کشور هنوز حل نشده است.

پروچودی: کراباً مقامات مسئول ما اعلام کردند مسائل جزایر سه گانه ایرانی باید از طریق مذاکرات دو جانبه حل شود، اما باید ببینیم چه کسی خودخاری می کند. من از آن به عنوان مثالی جهت ایجاد وحدت یاد کردم.

بن علوی: این آرزوی ماست. وقتی اختلاف باشد عملاً نمی توانیم همکاری کنیم. این جزء قوانین زندگی است.

پروچودی: «مرکز بین المللی گفت و گوی تمدنهای دایر» در نامه در قالب آن به گفت و گو بهر دویم و سپس به آن عمل کنیم.

بن علوی: در این رابطه اولویت با نزدیکان است. قبول داریم مشکل خاصی بین ایران و عراق وجود ندارد و دعوی زرگری بین شیعیان و سنیها را

در عراق قبول نداریم. بیشتر از همه شیعیان از سنت پیامبر پیروی می کنند، ولی چرا شیعه را از مسلمانان خارج می کنند. من این اصطلاح «فرق متعدد اسلامی» را اشتباه

می دانم و معتقدم همه ما مسلمانان بر اساس سنت عمل می کنیم، لذا باید به جای فرقه و مذهب به مکتبهای فرعی اسلامی از قبول شافعی و یا حنبلی اشاره کنیم.

پروچودی: همه ادعا دارند گفت و گو را دایر کرده اند.

بن علوی: من در سفرم به ایران به قم رفتم و در آنجا با جناب آقای شاهرودی ملاقات کردم. وی عالم جلیل و مسلط به علم است. به اعتقادات وی ایمان پیدا کرده ام. هر چند ایشان از چنین آرایایی نیست از آن عدنان است. از ایشان خواستم علمای شیعه به

کشورهای اسلامی سفر کنند. چون در حال حاضر در جای خود هستند و تکان نمی خورند. ما در عصری زندگی می کنیم که باید تجدید دینی کنیم. شیعیان که اهل تجدید و اجتهاد بودند، الان رادیکال و تنگرو هستند. چه اتفاقی بین علمای شیعه افتاده است؟ در کتب علمای شیعه فتاوی زیاد می بینیم. می دانم

تقریب بین مذاهب اسلامی قائل است، اما بدون تعارف بین حنبلیها، وهابیهای جدید و شیعیان اختلافات جدی وجود دارد اما همگان دعوت به

فرزها را حل کنیم، مرزها بسته خواهد ماند. ایران و امارات هر دو بر اساس مستندات تاریخی ادعا دارند و معتقدند باید بر اساس آن عمل شود و هر دو کشور دارای موضوعی متفاوت اند. دنیا باید برای حل این مسئله منتظر گروههای دیگر در دو کشور باشد. انکار که ما مردمان این زمان نیستیم تا این مسئله را حل کنیم. امیدواریم حکمت همیشه بر مسائل غلبه کند. اگر بتوانیم درخصوص این مسائل به راه حل توافقی دست یابیم، منافع بیگانه برای مردم منطقه ایجاد خواهد شد. در حالی که ادامه آن مشکلات بزرگی ایجاد خواهد کرد. ما به مسئولان ایران می گویم شما کشور بزرگی هستید و در اسلام آمده بزرگ باید سعه صدر بیشتری داشته باشد، ولی ما با عقل غریب در برخورد با این مسائل رفتار می کنیم. میراث غرب برای ما اختلاف مرزها بوده است. غرب مسائل سیاسی را رها کرده. دنبال ایجاد وحدت است، ولی ما به میراث استعمار به عنوان مسائل مرزها درگیر هستیم. هیچ وقت تصور کردید که جزایر در دست ایران و یا امارات باشد، هر کدام منافع خود را از دست خواهد داد. نباید این جور فکر کنیم که در دست یکی باشد دیگری متضرر خواهد شد.



پروچودی: من نمی خواستم وارد این بحث شوم. انسان به واسطه گفت و گو می تواند همه مسائل را بین خود حل کند و همچنین با حکم شدن بین دیگران به حل و فصل این مسئله بپردازد.

بن علوی: ممکن است، قاعده خوبی باشد، نمی توانیم بر عکس تحمیل کنیم. برای مثال در منطقه مجرره نزدیکی مرز یمن خودمختاری آن منطقه حق ما بوده

و این در مستندات ما و انگلیس موجود است، اما دوستی ما و یمن ایجاد کرده که ما بر اساس خواست آنها که این میراث استعمار بوده که ده هزار کیلومتر را

به ما داده اند، مسائل را حل کنیم. ما گفتیم زمان آن گذشته است، ما الان می توانیم مسائل را حل کنیم.

پروچودی: علت این است که شیطان پشت سر شما دائماً وسوسه ایجاد نمی کند.

بن علوی: به ما گفتند که در آن بخش ثروت خدادادی زیادی است. ما معتقدیم خدا به همگان روزی می دهد؛ ما معتقدیم چنانچه بخواهیم به دنبال تاریخ برویم، از عربستان خیلی قدیمیتر هستیم و مرزهای

به جای ماندن از دولت عثمانی خیلی دورتر از نقاط فعلی بوده است. ما به این نتیجه رسیدیم که به جای

وحدت می کنند.

باید با دید باز برخورد تیمم تا جلوی خطرها را بگیریم.

باید سریعاً این مسائل ساده را حل کنیم. امروز دین

تقریباً طوری شده که دلاور کسی است که بتواند بهتر

فحش بدهد و حمله کند.

در حالی که حجم روابط بین عراق و ایران بیشتر از

روابط عراق با دیگر کشورهای منطقه است، بعد از

پایان جنگ بیش از ده میلیون ایرانی برای زیارت به

عراق می روند و هر روز ششصد و هفتصد هزار نفر در

عراق هستند. هنوز مشکلات دو کشور حل نشده است،

باید با دید کلی با امور برخورد کنیم.

بروجردی: امام صادق (ع) می فرمایند: عاقل خیر خود

را می داند. اگر این حدیث سر لوحه کار ما باشد،

الگوی خوبی برای ما است.

بن علوی: چرا نه؟

بروجردی: باید این گونه باشد، ولی عمل نمی کنیم.

صحبت از عمل کردن به اعتقادات است، نه اینکه

خطبه خوانده شود و به آن عمل نشود. حضرت علی

(ع) در نامه به مالک اشتر گفت بین خود و خدا رابطه

برقرار کند. مالک نمی تواند خود را در مقابل

خدا قرار دهد. وقتی انسان خود را در برابر خدا

قرار دهد و به این نقطه برسد، دچار مشکل

می شود.

بن علوی: گفت و گو از زمان بدایش بشر آغاز

شد و به همین دلیل خدا پیامبر را فرستاد. اهداف

تشکیل «مرکز بین المللی گفت و گو و تمدنها» و

تشکیلات آن چیست؟

بروجردی: مرکز برای نزدیکتر کردن فرهنگهای

مختلف از طریق گفت و گو و نتیجه گیری از آن به نفع

بشریت تشکیل شده است و به همین منظور

دانشمندان مختلف در ایران به کار گرفته شده اند تا با

ایراد سخنرانی در داخل و خارج و تالیف و ترجمه

کتابها در این زمینه به فعالیت بپردازند. شیوه دیگر ما

استفاده از دانشمندیانی است که در خارج هستند و

نقطه نظرانی غیر از دیدگاه ما دارند. استادهای ما

برای گفت و گو نزد آنها می روند و یا اینکه آنها به ایران

دعوت می شوند.

بن علوی: این مفید است و راهی طولانی است که به

بشریت کمک می کند.

بروجردی: فرهنگ، کشاورزی نیست که در کوتاه

مدت نتیجه بدهد.

بن علوی: در فرهنگ، ما باید بکاریم تا دیگران به

نتیجه برسند.

[عصر همان روز نیز جناب آقای بن علوی با حضور در

محل اقامت جناب آقای بروجردی با ایشان ملاقاته

نمود]

بن علوی: (ضمن ابراز تمارقات معمول و ضمن

عذرخواهی از تصدیق اظهار داشت): امیدواریم همه

دوستان و برادرانی که به ما ابراز محبت می کنند مثل

شما باشند.

بروجردی: موفقیت خوبی برای ملاقات با جناب عالی

فراهم شده است.

بن علوی: الحمدلله دوستان ایرانی که مرتب با ما در

تماس اند، دیدی روشن دارند و متواضع اند. حتی

حاکمان درجه یک هم این طور هستند. در اوایل

انقلاب در قم در منزل امام با ایشان حدود یک ساعت

و نیم ملاقات کردم. ایشان با تمام وجود به حرف من

کوش می دادند، و در مورد کار مترجمی که از وزارت

خارج آمده بودند، ملاحظه داشتند. حتی یک بار به

علت عدم دقت در ترجمه، از مترجم دفتر خودشان

کمک خواست. بی شک امام از بزرگان مصلح دنیا

حتی از مصلحینی بود که قرنها قبل از آن بودند.

آنچه مرا مجبور می کند این جملات را بگویم،

ادای دین است. در آن زمان از ایشان در مورد

حکومت یمن جنوبی سوال کردم. انتظار

داشتید چه جوابی بدهند؟

بروجردی: آنچه من در طول مدت آشنایی و

انتساب به آن آگاهی پیدا کردم، این بود که ایشان خدا

را مقدم بر همه می دانستند و مسائل مادی خصوصاً

کمونیستی را اصلاً قابل اعتنا نمی دانستند و می گفتند

هر چه زودتر برچیده خواهد شد.

بن علوی: من سوال کردم آنها عرب هستند، ولی کافر

و بی دین هستند. جواب ایشان این بود که آنها اسلام

را نمی شناسند، وظیفه ما این است که اسلام را به آنها

تفهیم کنیم معمولاً نظر علمای دین مسیحیت این

است که کسانی را که از ملت و دین خارج شدند، کنار

بگذارید، در حالی که حکم امام این بود که دین

اسلام را به آنها معرفی کنیم. این جز از کسی که آفق

روشنی داشته باشد، بر نمی آید.

عدهای متعقدند امام در یک اتاقی محصور بودند و

برخورد ایشان با دنیا محدود به اطلاعات اطرافیان

بوده که این مانعی برای شناخت بهتر دنیا بوده است،

اما این طور نبوده است. زندگی این طوری است. آدم

نمی تواند تمام دنیا را به دست بگیرد. از مسائلی که در

مورد امام باید ثبت شود، این است که ایشان وقتی که

کارشناسان واقعیت را برایشان اعلام کردند، آگاهانه



آنس پس را قبول کرد. من در کل کتابهای امام خمینی کتاب فقهی مشهور «تحریر الوسیله» را مطالعه کردم در آنجا (چاپ اول آن) درباره موسیقی که بین مسلمانان جنل زبانی است که اینکه آیا اهل سنت خدا را می بینند، آمده است خداوند کافرین را از نظر کردن بر او محروم خواهد کرد. این بدین معنی است که مومنین خدا را می بینند، این خلاف تفکر شیعه است. این بدین معنی است که دید یک اصلاحگر درجه یک مافوق دیدگاه یک فرقه است.

دید و افق و طرز زندگی دوستان ایرانی برای ما مسرت آمیز است. خیلیها به ما عمانیها در روابط با ایران خرد می گیرند. ولی ما معتقدیم دو امر همسایگی و اسلام ما را یا هم جمع می کند.

ما از موضع و جایگاه شما در نزد مقامات مطلع هستیم و امیدواریم خیلی از اختلافات کوچک حل شود. خدا جز سلاح بشر چیزی نمی خواهد. امیدوارم مرکز پر نشاط و پویا باشد. امیدوارم دولت شما را پشتیبانی کند و این بر دولت واجب است.

پروچرودی: یکی از علما گفته همگان همه چیز را می دانند، اما آنچه خیلی اهمیت دارد، عمل به آن حقیقت است که ما می بایست این چنین باشیم.

بن علوی: ما بر اساس اعتقادات روحی و معنوی نباید در مقابل سکوت غوغاسازی

کنیم و با دنبال منتشر کردن دیگران باشیم نصیحت کردن دیگران شرعی است و باید به نصیحت عمل شود. شیخ احمد کوئی که الان در امارات زندگی می کند، آدم صادقی است. در جنگ عراق فرار کرد. وی از یک ملاقات با سدام در زمانی که استاد دانشگاه شریعت و قانون بین المللی در بغداد بود، چنین تعریف می کند یک روز ماشینی از ریاست جمهوری عراق به دنبال ایشان آمد و گفت سدام منتظر ملاقات با شما است. من در محل ملاقات که یک راهرو طولانی بود، حاضر شدم. سدام وسط سالن منتظر من بود و خوش آمدگویی گفت و دعوت به نشستن کرد. این طوری شروع کرد که چه آموزشی به من می دهی؟ گفتم: شما ما را تعلیم می دهید؟ گفت: من سخنرانیهایی شما را گوش کردم و خیلی خوشحال شدم. می خواهم از نصیحت شما استفاده کنم. برای ایشان زندگانی عمر بن عبدالعزیز را توصیف کردم؛ اینکه چگونه دوست داشت به ثروت زبالا و قدرت برسد و بعد از دستبازی بدان تمامی آن را در راه خدا بخشید، چون رشایت خدا را می خواست. همراه با آن

آیات و احادیث زیادی برایشان نقل کردم و گفتم شما به انتهای قدرت رسیدید باید مثل عمر بن عبدالعزیز باشید. این فکر حکیم تا سدام با سدام بلند تحریر کرد و بعد از من تشکر کرد. اما من از اینکه سالم بیرون آمده بودم، تعجب کردم. نتیجه اینکه هر انسانی در معرض نصیحت قرار بگیرد، هر چند دلش سنگ باشد، آرام می شود. وقتی بین دوستانمان به تهران می رویم، از ته دل صحبت می کنیم یا تمامی مقامات اعم از آقای خامنه، رئیس پارلمان، وزرا و شخص وزیر خارجه از ته دل حرف می زنیم.

تنها کسی که هنوز با ایشان آشنا نشدم، امام خامنه ای است. حتی در زمان جنگ به ایران رفتم. ایشان شیراز بود و قرار بود من برای ملاقات با ایشان به شیراز بروم ولی ایشان به خط مقدم جبهه در دزفول رفتند، نتوانستم ایشان را ببینم، علاقه شدیدی دارم ایشان را ببینم و فکر می کنم نصیحت شما این باشد که ایشان را ببینم.

پروچرودی: ایرانیها ذوق شعری دارند. مسئله عمر بن عبدالعزیز را سمدی به شعر درآورده است. اما زمانی یکی نصیحت می کند تاثیر نمی گذارد، ولی دیگری با ایراد حرفهای ساده تاثیر گذار می شود: سخنی که از دل برآید، بر دل می نشیند. من تهران هم به آقای الرواس گفتم که ما باید به آنچه که می گوئیم، عمل



کنیم. علت اینکه حرفهای امام خمینی بعد از ۲۵ سال در دل شما نشست است این بوده که آن حرفها از ته دل بود. **بن علوی:** در مشهد کتابی ملقب به حضرت علی به نام «حدائق البهجه» را دیدم. از آقای تسخیری خواستم برای من تهیه کند اما هنوز امکان آن فراهم نشده است.

پروچرودی: بسیاری از مخطوطات اسلامی در آکسفورد، کتابخانه ملی پاریس، کتابخانه اسکوربال اسپانیا، کتابخانه برلین المان وجود دارند.

بن علوی: در حیدرآباد ده هزار مخطوطه به زبان فارسی است که چاپ نشده است. یکی از وزرای خارجه انگلیس از ما خواسته در شورای همکاری خلیج فارس علیه حکم اعدام موضع گیری کنیم. فقط عربستانها قصاص انجام می دهند ما به آنها گفتیم این بر اساس نص مندرج در قرآن است. احکام اعدام بدین شکل از زمان استعمار وارد شده اسلام چنین چیزی نداشت و به سادگی کسی را اعدام نمی کرد. در زمان پیامبر اسلام صفا و صمیمیت بود.